



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۹، ش ۲ (پیاپی ۴۴)، خرداد و تیر ۱۳۹۷، صص ۲۲۷-۲۵۰

ساختار موضوعی اسامی محمولی متناظر با افعال دومفعولی

در کردی هورامی

غلامحسین کریمی دوستان^{۱*}، یادگار کریمی^۲، جبار میرانی^۳

۱. استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

۳. دانشجوی زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت: ۹۵/۹/۴

پذیرش: ۹۵/۱۲/۲

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی ساختار موضوعی یعنی مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی و آوایی اسم‌واره‌های متناظر با افعال دومفعولی در کردی هورامی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است. این مقاله پس از توصیف و طبقه‌بندی این اسم‌واره‌ها به دو نوع ملکی و عاملی از روش برنامه‌کمینه‌گرایی/ صرف توزیعی (MP/DM) برای تحلیل و مقایسه آن‌ها با افعال دومفعولی متناظر استفاده می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که آرایش نحوی اسامی حاوی مقوله فعلی واژگانی (VP) برای ادغام مشخصه کنش‌رو و مقوله الحاقی پایین (AppIP_{low}) برای معرفی هدف مملوک یا مکان است. فاعل جمله در نقش مالک مقوله اضافه ملکی (EzaFP_{pos}) در اسم‌واره ملکی و در همان نقش عامل مقوله جهت (VoiceP) در اسم‌واره عاملی ترکیب می‌شود. هسته مقوله زمان (TP) و مقوله متمم (CP) مقوله فعلی کوچک (vP) را گزینش می‌کنند و جمله‌ساز هستند؛ ولی هسته‌های مقوله شمار (NumP) و مقوله اضافه محمولی (PEP) مقوله اسمی کوچک (nP) را انتخاب می‌کنند؛ زیرا اسم‌ساز هستند. مشخصه V در اسم‌واره ملکی و تمام (VP) در اسم‌واره عاملی به v و سپس برای بازبینی مشخصه اسمی به nP و PEP حرکت می‌کند. اسم‌واره عاملی مشخصه‌های اسمی بیشتری دارد و نشانه جمع، معرفگی، ملکی و صفت شمارشی می‌گیرد و با قید حالت نمی‌آید. آرایش نحوی حاصل نمود حصولی یا غایتمند جمله و اسم‌واره ملکی را به کنشی محدود در اسم‌واره عاملی تبدیل می‌کند. بنابراین، بررسی ساختار موضوعی اسامی متناظر با افعال دومفعولی در چارچوب رویکرد نحو-محور مقاله نشان می‌دهد که آرایش نحوی موتور محرک مقوله‌بندی، بازنمایی آوایی و بازنمایی معنایی انتقال مالکیت یا مکانی در هر دو اسم‌واره و جمله متناظر است.

واژه‌های کلیدی: کردی هورامی، ساختار موضوعی / اسامی متناظر با افعال دومفعولی، مقوله‌بندی / آرایش نحوی، بازنمایی معنایی، برنامه‌کمینه‌گرایی / صرف توزیعی.

۱. مقدمه

هورامی^۱ یکی از گویش‌های زبان کردی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است. سخنوران این گویش در شمال غربی استان کرمانشاه، جنوب و جنوب غربی استان کردستان و شرق استان حلبچه در اقلیم کردستان ساکن هستند و غالباً خود را کرد می‌دانند. در این زبان، در مقابل جمله بی‌نشان حاوی فعل دومفعولی در مثال ۱ اسم‌واره‌های متناظر دو ساخت متفاوت به صورت بی‌نشان در مثال ۲ و ۳ وجود دارند.^۲

1. (Min) pul-i ma-d-u be aħmað-i
غفا-احمد به اشم-دادن-پزح حمف-پول (من)

"من پولی را به احمد می‌دهم"

2. day-u pul-u m(in) be aħmað-i
غفا-احمد به من اضمل-پول اض-دادن

"دادن پولم (من) به احمد"

3. pul-day-u min-(i) be aħmað-i
غفا-احمد به غفا-من اض-دادن-پول

"پول دادن به وسیله من به احمد"

چنانکه از داده‌های دو گروه اسمی متمایز در مثال ۲ و ۳ مشهود است، اسم مصدر در هورامی تنها با افزودن پسوند اسم‌ساز زایای -ay- به ریشه محمول ساخته می‌شود. مقایسه گروه‌های اسمی ۲ و ۳ با جمله بی‌نشان حاوی فعل دومفعولی دادن=day در جمله ۱ نشان می‌دهد که تغییراتی در مقوله‌بندی^۳، آرایش نحوی^۴، ویژگی‌های ساخت‌واژی و بازنمای معنایی^۵ دو گروه اسمی روی داده است. تعیین مقوله، بازنمایی معنایی و پیکره‌بندی نحوی ساختار موضوعی اسم‌واره‌ها و تحلیل و مقایسه آن‌ها با جملات متناظر در پیشینه پژوهش‌های زبان‌شناسی مقوله‌ای بحث‌برانگیز است. هنگامی بر این چالش افزوده می‌شود که این مسائل را در ساخت‌های اسم‌واره‌های متناظر با افعال دومفعولی بررسی کنیم. بنابراین، مقاله حاضر در پی یافتن رویکردی مناسب است تا از مقوله‌بندی، ساختار نحوی و بازنمایی معنایی ساختار موضوعی در این اسم‌واره‌ها و جمله متناظر تحلیل یکپارچه‌ای را با کمک برنامه‌کمینه‌گرایی و

صرف توزیعی^۶ (MP/DM) ارائه دهد. این رویکرد به خوبی می‌تواند نشان دهد که چه عواملی بر مقوله‌بندی، بازنمایی معنایی و ساختار رویدادی^۷، و آرایش نحوی ساختار موضوعی آن‌ها تأثیرگذار است. بنابراین، مقاله حاضر بر آن است که به سه سؤال پاسخ دهد:

۱. مقوله‌بندی اسم‌واره‌ها و جملات حاوی افعال دومفعولی متناظر و موضوع‌های هر یک در کدام سطح، واژگان، نحو یا پسا - نحوی و چگونه با تحلیلی یکپارچه امکان‌پذیر است؟
۲. علت یا علل آرایش نحوی و سلسله‌مراتبی احتمالاً متفاوت ساختار موضوعی در جملات بی‌نشان هورامی و گروه‌های اسمی متناظر با آن‌ها چیست؟
۳. کدام عامل یا عوامل در بازنمایی معنایی موضوع‌ها در داده‌های جمله‌های حاوی افعال دومفعولی و اسم‌واره‌های متناظر آن‌ها تأثیرگذار است؟

هدف از مقاله حاضر مطالعه ساختار موضوعی شامل شیوه مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی و آوایی اسم‌واره‌های متناظر با افعال دومفعولی اصلی در کردی هورامی (کریمی دوستان و میرانی، ۱۳۹۵) است. این مقاله پس از توصیف و طبقه‌بندی اسم‌واره‌ها در دو گونه ملکی و عاملی روش نحو-محور برنامه‌کمینه‌گرایی/صرف توزیعی را برای تحلیل و مقایسه آن‌ها با افعال دومفعولی متناظر مناسب می‌یابد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که اسامی مشابه با افعال دومفعولی متناظر حامل مقوله فعلی واژگانی^۸ (VP) برای ادغام مشخصه کنش‌رو و مقوله الحاقی پایین^۹ (AppIP_{low}) برای معرفی هدف یا بهره‌ور مملوک یا مکان است. فاعل جمله در نقش مالک مقوله اضافه ملکی^{۱۰} (EzafP_{poss}) در اسم‌واره ملکی و همان نقش عامل مقوله جهت^{۱۱} (VoiceP) در اسم‌واره عاملی ترکیب می‌شود. هسته مقوله زمان^{۱۲} (TP) و مقوله متمم^{۱۳} (CP) جمله‌ساز ولی مقوله اسمی کوچک^{۱۴} (nP) و مقوله اضافه محمولی^{۱۵} (PEP) اسم‌سازند. اسم‌واره عاملی مشخصه‌های اسمی بیشتری دارد و بازنمایی معنایی نمود حصولی یا غایتمند، جمله و اسم‌واره ملکی را به کنشی محدود تغییر می‌دهد. بنابراین، بررسی ساختار موضوعی اسامی متناظر با افعال دومفعولی در چارچوب رویکرد ترکیبی نحو - محور حاضر نشان می‌دهد که آرایش نحوی موتور محرک مقوله‌بندی، بازنمایی آوایی فوق و بازنمایی معنایی انتقال مالکیت یا مکانی در هر دو اسم‌واره و جمله متناظر است.

ساختار مباحث پیش رو بدین‌گونه است که در بخش دوم به پیشینه پژوهشی موضوع پرداخته می‌شود. بخش سوم به طبقه‌بندی و توصیف مشخصه‌های ساخت‌واژی، نحوی و

معنایی اسمواره بی‌نشان مانند مثال ۲ و ۳ متناظر با افعال انتقال مالکیت در جملات بی‌نشان مانند ۱ اختصاص دارد. در این بخش نمونه‌ای از هر یک از دو طبقه بی‌نشان از اسامی متناظر افعال دومفعولی بر اساس چارچوب نظری حاضر تحلیل می‌شود. بخش چهارم به بحث و مقایسه ساختار موضوعی افعال دومفعولی و اسامی متناظر آن‌ها با توجه به سؤال‌های پژوهش حاضر می‌پردازد. بخش پنجم هم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از یافته‌ها را ارائه می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات اندکی درمورد ویژگی‌های متفاوت اسامی در زبان فارسی انجام شده است (مدرسی و ذوقی، ۱۳۹۴)؛ با این حال، جایگاه پیشینه پژوهشی اسامی متناظر با افعال دومفعولی در مجموع و به‌ویژه در زبان فارسی در چارچوب رویکردهای نوین زبان‌شناسی خالی است. پژوهشگرانی همچون چامسکی^{۱۶} (۱۹۷۰)، گریمشاوی^{۱۷} (۱۹۹۰)، بورر^{۱۸} (۲۰۰۳، ۲۰۱۳)، هارلی^{۱۹} (۲۰۱۲)، الکسیادو^{۲۰} (۲۰۱۰، ۲۰۰۱) و صدیقی^{۲۱} (۲۰۰۹) مسائل مورد مطالعه در نحو و معنی‌شناسی را از یک طرف و نتایج تحقیقات مربوط به حوزه ساخت‌واژه - بالاختص ظرفیت‌های بالقوه صرف توزیعی - را از طرف دیگر در تحلیل‌های خود از انواع اسم‌سازی‌ها به‌غیر از اسامی متناظر با افعال دومفعولی مدنظر داشته‌اند. گریمشاوی (۱۹۹۰) عملیات اسم‌سازی متناظر با افعال را به دو دسته اسامی رویدادی پیچیده (حاوی ساختار موضوعی) و نتیجه‌ای (بدون ساختار موضوعی) طبقه‌بندی می‌کند. در این راستا، همبستگی ساختار موضوعی و تعبیر رویدادی در کارهای بورر (۲۰۰۵، ۲۰۱۳)، هارلی (۲۰۰۹) و الکسیادو (۲۰۱۰) با عناوین اسم‌واره‌های حاوی ساختار موضوعی و ارجاعی بیان شده است. در این تحلیل‌ها فرافکنی ساختار موضوعی درون اسم‌واره‌های متناظر با فعل همچون بازتابی از ویژگی‌های لایه فعلی نگریسته شده است. در این زمینه، هماهنگی با توصیف‌گرهای نمودی در اسم‌واره‌های حامل ساختار موضوعی به وجود لایه نقشی فعلی متناظر مربوط می‌شود و این مقوله‌های نقشی متفاوت بالاتر هستند که اسم‌واره را از جمله متمایز می‌سازند. یافته‌های این مقاله که درمورد اسم‌واره‌های متناظر با افعال دومفعولی در هورامی و با استفاده از روش ترکیبی برنامه‌کمینه‌گرایی/ صرف توزیعی انجام شده است، به نتایج جالب و نوینی درمورد ساختار موضوعی اسم‌واره‌ها دست یافته است و تا حدودی نبود تحقیقات در این زمینه را جبران و از نتایج این تحقیقات حمایت می‌کند.

۳. طبقه‌بندی و توصیف اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی

داده‌های زیر اسمواره‌های متناظر با جمله حاوی فعل دومفعولی دادن = da (مثال ۱) را در هورامی به نمایش می‌گذارد. در این گویش تکواژ ay- تنها تکواژ اسم‌ساز کاملاً زایایی است که به‌صورت پسوند به ریشه فعل افزوده می‌شود. بنابراین، مقاله حاضر به مطالعه داده‌های حاوی اسمواره‌های محمولی متناظر با افعال دومفعولی و ساخته‌شده با این تکواژ می‌پردازد.^{۲۲} اسم وارده‌های حاوی ساختار موضوعی در زبان‌های ایرانی بیشتر به شکل مقوله ملکی بازنمود می‌یابند و نقش‌نمای اضافه می‌گیرند. در این رساله با تبعیت از کریمی‌دوستان و باقری (۱۳۹۰) به ساخت اسمواره دارای ساختار موضوعی اسمواره محمولی گفته می‌شود. به علاوه، از آنجایی که از فاعل جمله به هنگام تظاهر در اسمواره (مثال ۲) خوانش معنایی مالک در مقوله ملکی و در اسمواره (۳) برداشت عامل یا مسبب استنباط می‌شود، آن‌ها در این مقاله به ترتیب با عناوین اسمواره محمولی ملکی (۲) و اسمواره محمولی عاملی (۳) نام‌گذاری می‌شوند.

مشخصه‌های نحوی: همه جمله‌های هورامی صرف‌نظر از زمان آن‌ها می‌توانند به صورت دو گونه اسمواره ساخت ملکی و عاملی بازنمود پیدا کنند. پژوهش حاضر به تحلیل و مقایسه مقوله‌بندی، ساختار نحوی و بازنمایی معنایی اسمواره ملکی در مثال ۲ و اسمواره عاملی در مثال ۳ با ساختار نحوی جمله بی‌نشان متناظر در مثال ۱ می‌پردازد.

مشخصه‌های ساخت‌واژی: همانطور که بیان شد در هورامی تکواژ ay- به صورت پسوند به ریشه فعل افزوده می‌شود و اسم مصدر را می‌سازد. در ساخت اسمواره محمولی ملکی (۲) مفعول صریح بعد از اسم مصدر قرار می‌گیرد. در بین اسم مصدر و مفعول صریح از نشانه نقش‌نمای حالت اضافه ملکی /u:/ استفاده می‌شود. اگر مفعول صریح به اسم دیگری اضافه نشود، در انتهای آن نشانه حالت غیرفاعلی /-i/ می‌آید. اما اگر به اسم دیگری اضافه شود، نشانه حالت غیرفاعلی آن به تکواژ نقش‌نمای حالت ملکی /u/ تبدیل می‌شود. آن اسم یا گروه اسمی دیگر (۲) همان موضوع عامل موجود در ساخت افعال دومفعولی است که در ساخت اسمواره‌های ملکی متناظر به شکل مالک بازنمود می‌یابد. می‌توان از مفعول غیرصریح هم به صورت بی‌نشان در انتهای اسمواره به شکل پیش اضافه + مفعول غیرصریح استفاده کرد. در اسمواره عاملی ۳ مفعول صریح می‌تواند بدون نشانه حالت غیرفاعلی به قبل از اسم مصدر منضم شود. اگر عامل جمله متناظر در اسمواره بیاید در نقش همان عامل بعد از نقش‌نمای

اضافه /u/ تظاهر می‌یابد و انتهای کلمه هم نشانه حالت غیرفاعلی (آبلیک) /i:/ می‌گیرد. از مفعول غیرصریح در ساخت عاملی هم به همان اشکال مشروح در ساخت ملکی استفاده می‌شود.

مشخصه‌های معنایی: در ساخت ملکی (۲) نقش کنش‌رو مفعول صریح در اسامی متناظر باقی می‌ماند. با وجود این، در ساخت عاملی (۳) به سبب انضمام مفعول صریح به جایگاه پیش از مصدر نقش کنش‌رو حذف و به جزئی از ترکیب اسم مصدر تبدیل می‌شود. در ساخت ملکی (۲) نقش عامل یا مسبب افعال به صورت مالک در اسامی متناظر تغییر خواهد کرد. با وجود این، در ساخت عاملی (۳) عامل یا مسبب جمله متناظر در اسمواره در نقش همان عامل یا مسبب ظاهر می‌شود. در هر دو ساخت اسمواره مفعول غیرصریح در نقش هدف و بهره‌ور مالکیت (یا هدف انتقال مکان) در اسمواره‌ها با توجه به نوع فعل و حرف اضافه بعد از آن تظاهر پیدا می‌کند.^{۲۳}

۴. تحلیل اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی

این بخش به چگونگی تحلیل و مقایسه مشخصه‌های دو دسته از اسامی متناظر با جمله‌ای از افعال دومفعولی اصلی برای بیان انتقال مالکیت مانند "دادن = day" می‌پردازد.^{۲۴} نتایج حاصل از این تحلیل‌ها را می‌توان به اسامی متناظر با نوع دوم افعال دومفعولی یعنی افعال انتقال مکانی هم تعمیم داد. جمله نمونه حاوی یکی از افعال انتقال مکانی یعنی "گذاشتن = nieray" در ۴ و دو نوع اسامی ملکی و عاملی متناظر با آن‌ها به ترتیب در ۵-الف و ۵-ب نشان داده می‌شوند:

(۴) ساخت جمله انتقال مکانی

šeme pul-ta niar-de bank-ana
حکم-بانک دشج-رگذاشتن مض-سا-پول شما

"شما پول را در بانک گذاشتید"

۵-الف) ساخت اسمواره محمولی ملکی	۵-ب) ساخت اسمواره محمولی عاملی
pulnierda-u šeme-i bank-ana	nierda-u pul-u šeme-i bank-ana
(حکم)-بانک غفا-شما مض-گذاشتن پول	(حکم)-بانک غفا-شما حمف-پول اض-گذاشتن
"پول گذاشتن در بانک به وسیله شما"	"گذاشتن پول شما در بانک"

بنابراین، مراحل مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی آوایی و معنایی جمله حاوی فعل دومفعولی بیانگر انتقال مالکیت "دادن = day" و اسموارهٔ محمولی ملکی متناظر آن در چارچوب نظری برنامهٔ کمینه‌گرایی/ صرف توزیعی (صدیقی، ۲۰۰۹؛ انوشه، ۱۳۹۴؛ Harley, 2012) اجرا می‌شوند. در صورت وجود بعضی از مراحل متفاوت ساخت عاملی با ساخت ملکی این تفاوت بعد از توضیح ساخت ملکی ذکر می‌شود.

۴-۱. مقوله‌بندی و آرایش نحوی

مراحل مقوله‌بندی، آرایش نحوی نمونهٔ بی‌نشانی از جملات حاوی یکی از افعال دومفعولی انتقال مالکیت یعنی "دادن = day" در مثال ۱ با دو نوع اسموارهٔ بی‌نشان متناظر آن یعنی اسم-وارهٔ ملکی در مثال ۲ و اسموارهٔ عاملی در مثال ۳ مقایسه و تحلیل می‌شود. جملهٔ ۱ در ۶ و دو نوع اسموارهٔ ملکی ۲ و عاملی ۳ به ترتیب در ۷-الف و ۷-ب تکرار می‌شوند.

(۶) ساخت جملهٔ انتقال مالکیت

be ahmað-i ma-d-u pul-i (min)
غفا-احمد به اشم-دادن-پزح ح-مف-پول-من

"من پولی را به احمد می‌دهم"

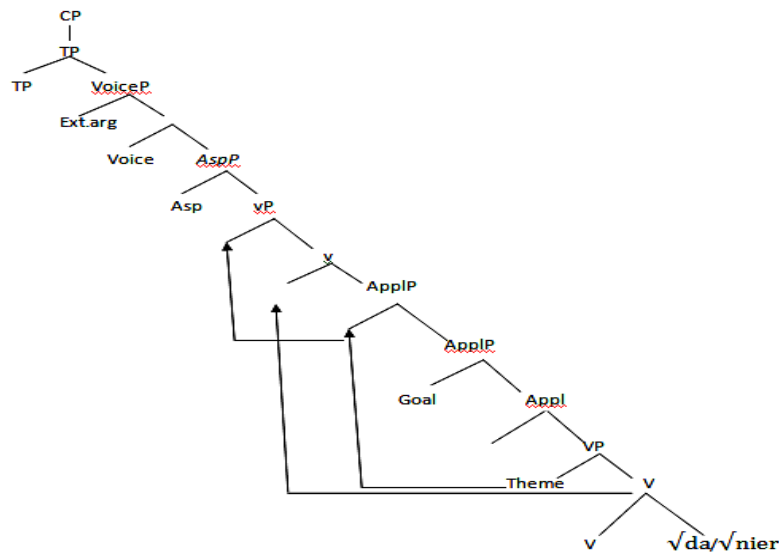
(۷-ب) ساخت اسموارهٔ محمولی عاملی	(۷-الف) ساخت اسموارهٔ محمولی ملکی
pul-day-u min-i be ahmað-i	da -u pul-u min be ahmað-i
غفا-احمد به من اض-مل-پول اض-دادن	غفا-احمد به من اض-مل-پول اض-دادن
"دادن پول به وسیلهٔ من به احمد"	"پول دادنم (من) به احمد"

۱. ریشهٔ انتزاعی [DA] $\sqrt{\quad}$ همراه با دیگر مشخصه‌ها برای جمله و اسمواره‌های متناظر در شمارگان زبان (فهرست شمارهٔ ۱) وجود دارند و وارد بخش آرایش نحوی می‌شوند.
۲. در آرایش نحوی عملیات ادغام، حرکت و مطابقه بر روی ویژگی‌ها و ریشه جهت حذف مشخصه‌های غیرقابل تعبیر در جملهٔ ۶ به صورت نمودار درختی ۸، در اسموارهٔ ملکی ۷-الف به شکل نمودار درختی ۹-الف و در اسموارهٔ عاملی در نمودار درختی ۹-ب اعمال می‌شود. در این راستا، الگوریتم مقوله‌سازی عملیات زیر را در بخش آرایش نحوی اجرا می‌کند:

الف. ریشه $\sqrt{DA}$ با مشخصه تکواژ مقوله ساز V ادغام و به صورت فعل V مقوله بندی می شود. در چارچوب رویکرد حاضر، در اسمواره های محمولی هورامی هم لازم است ابتدا ریشه با مشخصه مقوله فعلی ترکیب گردد تا مشخصه مفعول صریح در متمم آن ادغام و مشخصه موضوع غیرصریح هم در هسته دوم ApplP پایین تر از مقوله فعلی سبک در آرایش نحوی تظاهر یابد.

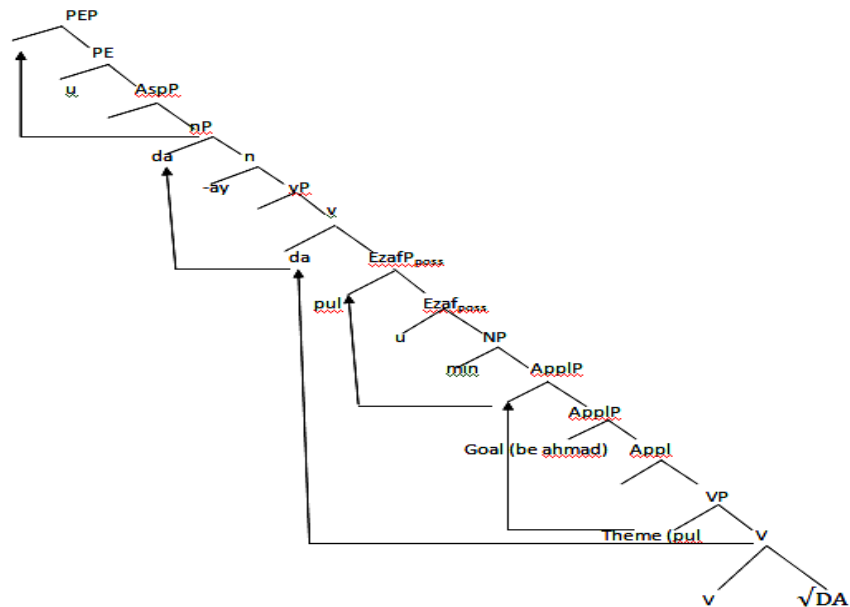
ب. در جمله و اسامی، مشخصه فعل V به یک مفعول صریح نیاز دارد. بر اساس این فرض که هر موضوع به وسیله هسته ای به ساختار نحوی معرفی می شود (Bowers, 1997: 2011)، هسته دوم V مفعول صریح را به ساختار نحوی معرفی می کند. مقوله VP در آرایش نحوی جمله و اسامی تشکیل می شود. مفعول صریح تنها در جمله ۸ دارای مشخصه حالت تعبیرناپذیر است که هسته دوم vP آن را بازبینی و حذف می کند. از طرف دیگر، هسته vP در اسمواره ها (۹-الف و ب) و حتی در جملات گذشته (الگوی حالت کنایی) قادر به بازبینی مشخصه حالت مفعولی نیست و مفعول صریح در اسمواره ملکی دارای حالت غیرفاعلی و در عاملی بدون حالت است.

ج. آرایش نحوی VP با مقوله الحاقی پایین ApplP (Pyllkanin, 2008) ادغام می شود. هسته ApplP مفعول غیرصریح را به جایگاه ادغام دوم معرفی می کند. این مقوله مشخص گر دیگری را در جمله برای گذرگاه حرکت مفعول صریح جهت بازبینی حالت مفعولی در جمله و حالت غیرفاعلی در اسمواره ها و برای دستیابی به ترتیب خطی ترکیب می کند (Bošković, 2007).



۸- نمودار درختی جمله حاوی فعل دومفعولی
(8) Tree diagram of statements involving ditransitive verbs

ذ. در دو نوع اسمواره، مشخصه گروه فعلی پوسته‌ای (VP) نیز هماهنگ با بسیاری از متون پژوهشی بدون حضور مقوله زمان وارد آرایش نحوی می‌شود. در مقابل، به سبب حضور موضوع رویداد در اسمواره‌ها (Maienborn, 2013) و اصالت اسامی نسبت به افعال (Luuk, 2005) می‌توان برای مقوله‌سازی اسمی به جای مقوله فعلی کوچک (VP) از مقوله اسمی کوچک (nP) در آرایش نحوی اسمواره‌ها استفاده کرد.



(۹-الف) نمودار درختی اسموارهٔ محمولی ملکی

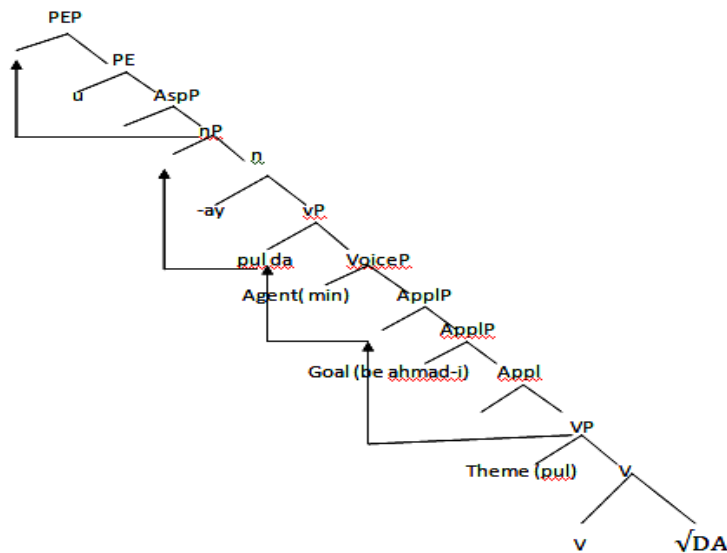
(9-a) Tree diagram of corresponding Possessive Predicaive Phrase

س. در جملهٔ زمان حال در حال بررسی، مشخصهٔ قوی فعلی باعث حرکت فعل واژگانی از هستهٔ V به جایگاه هستهٔ گروه فعلی پوسته‌ای یعنی v می‌شود. هستهٔ دوم VP حالت مفعولی را بر روی مفعول صریح در هستهٔ دوم آن بازبینی می‌کند. در اسمواره‌های ملکی به‌مثابهٔ افعال زمان گذشته حالت مفعولی و عاملی نمی‌تواند به وسیلهٔ هستهٔ VP ارزش‌گذاری شود؛ در نتیجه، تکواژ *i* بعد از مفعول صریح یا مالک بر اساس استدلال‌های نشانگر حالت غیرفاعلی برای حفظ ارزش‌گذاری حالت در موضوع‌های درونی است (Karimi, 2015). به علاوه، در اسموارهٔ ملکی به‌سبب نبود مقولهٔ زمان و به تبع آن مقولهٔ CP حالت فاعلی بر روی مفعول صریح یا فاعل قابل بازبینی نیست. در اسموارهٔ عاملی تمام مقولهٔ VP به صورت یکجا به هستهٔ گروه فعلی پوسته‌ای انضمام پیدا می‌کند. در این اسمواره، به‌دلیل آنکه مفعول صریح به جایگاه قبل از ریشه انضمام پیدا کرده، بدون نشانهٔ حالت است و نیاز به بازبینی ندارد (Baker, 1988). تکواژ *i* هم بعد از فاعل جمله که در نقش عامل (کنشگر) اسموارهٔ عاملی ظاهر می‌شود نشانگر حالت

غیرفاعلی در این موضوع درونی است.

ش. آنچه آرایش نحوی گروه فعلی را به گروه اسمی در اسمواره ملکی تبدیل می‌کند این است که VP با هسته نقشی گروه مقوله‌ساز nP ترکیب و وارد رابطه مطابقت می‌شود.^{۲۰} تکواژ اسم‌ساز -ay در هسته آن حضور مشخصه ریشه فعل دارای مشخصه تعبیرناپذیر n را در هسته حاصل از ادغام دوم الزامی می‌نماید. بنابراین، مشخصه ریشه فعل از هسته VP به هسته nP حرکت می‌کند. در اسمواره عاملی نیز تمام گروه فعلی یعنی مفعول صریح به صورت منضم به فعل برای تبدیل به مقوله اسمی به هسته nP حرکت می‌کند.^{۲۱}

د. در جمله و اسمواره‌ها، مقوله نمود (AspP)^{۲۲} برای رمزگذاری و معرفی ساخت رویدادی حاصل با بقیه ساختار ادغام می‌شود. هسته مقوله نمود، ریشه و سایر مقوله‌های نقشی حاصل از فاز VP را به صورت حصولی رمزگذاری می‌کند. در اسمواره عاملی این هسته دارای مشخصه +bound با نتایج خاصی برای آن است.



(۹-ب): نمودار درختی اسمواره محمولی عاملی

(9-b) Tree diagram of corresponding Agentive Predicative Phrase

ذ. در جمله، گروه VoiceP برای معرفی موضوع برونی ترکیب می‌شود. در اسم‌واره‌ها گروه اضافه محمولی (PEP) ادغام می‌شود. هسته این مقوله یعنی تکواژ نقش‌نمای اضافی (u) دارای مشخصه اسمی [+N] است که حضور گروه اسمی (pul)day را برای ارضای آن در هسته دومین ایجاب می‌کند. اکنون آرایش نحوی اسم‌واره کامل است.

ل. در پایان در جمله، هسته مقوله زمان با مقوله جهت ادغام می‌شود. هسته مقوله زمان دارای مشخصه تعبیرناپذیر زمان و مشخصه قوی فرافکتی گسترده EPP^{2A} است. برای حذف مشخصه EPP نخستین گروه اسمی مجاز همراه با فعل واژگانی به هسته گروه زمان تحت فرایند حرکت و ادغام مشخصه‌های کپی افزوده می‌شود. در اسم‌واره‌ها، مقوله TP و به تبع آن CP وجود ندارد؛ زیرا ریشه محمول با تکواژ اسم‌ساز -ay- پیش‌تر از تکواژ زمان گذشته a ترکیب می‌شود.

۳. آرایش نحوی اکنون در نقطه بازنمون قرار دارد و از آنجا برای تعبیر به دو حد واسط صورت منطقی و صورت آوایی به ترتیب زیر ارسال می‌شود.

۲-۴. بازنمایی آوایی

از نقطه بازنمون تا رسیدن به صورت آوایی فرایندهای ساخت‌واژی و آوایی زیر بر روی گره-های پایانی حاصل از آرایش نحوی انجام می‌گیرد.

۱. از ساخت نحوی جمله و اسم‌واره‌های دارای محمول day نتیجه می‌گیریم که هر یک برای زیرمجموعه‌ای از مشخصه‌های موجود در گره‌پایانی مشخص می‌شوند.

۲. رویکرد نظری حاضر شامل الگوی فروم‌شخص‌شدگی مقوله‌بندی است. بنابراین، عنصر واژگانی که فاقد تخصیص ظاهری یک یا چند تا از مشخصه‌های [V]، [v] یا [Voice] برای جمله و [Ezaf_{poss}]، [v]، [Asp]، [V]، [App]، [N] و [Voice] برای اسم‌واره‌ها باشد هنوز هم عنصر واژگانی ممکن است. تحت اصل اجبار ساختاری یک یا چند تا از موضوع‌های هر محمول می‌تواند در آرایش نحوی حذف و در دایره‌المعارف در بخش‌های پسا- نحوی بازیابی شود. به طور کلی، وجود مشخصه‌های [√da]، [PRESENT]، [Appl] برای تمایز زمان حال از گذشته و نوع فعل در جمله و وجود مشخصه‌های [PEP]، [√da] برای تمایز این اسم از اسامی مصدر دیگر در اسم‌واره ضروری است.

۳. اشتقاق جمله و اسمواره‌ها آمادۀ تخصیص محمول مورد نظر به گره‌پایانی حاوی ریشه و مشخصه‌های لازم آن و سایر موضوع‌ها از راه عملیات ادغام ساخت‌واژی از فهرست عناصر واژگانی (شماره ۲) برای هر یک می‌شود. بنابراین، تظاهر آوایی محمول و موضوع‌های آن هم در جمله و هم در دو نوع اسمواره متناظر آن از فهرست عناصر واژگانی در گره‌های پایانی مربوط برای هر کدام درج می‌شود.

۴. در جمله، مفعول صریح "پول" به قبل از فعل حرکت کرده است و مفعول غیرصریح هم در جایگاه آرایش نحوی ثابت می‌ماند و ترتیب خطی (۱۴) به‌دست می‌آید. در اسمواره‌ها هم ترتیب خطی از روی ساخت سلسله‌مراتبی آرایش نحوی به شکل ۱۵ و ۱۶ بازخوانی می‌شود.

(14) (Min) pul da be Ahmad (15) da pul min be Ahamd

(16) pul da min be Ahamd

۵. در جمله، نشانه‌ی حالت مفعولی *i*— بعد از مفعول صریح "پول"، نشانه‌ی زمان حال ساده *ma*— قبل از ریشه "دا"، تکواژ نمایانگر مطابقت اول شخص مفرد یعنی *u*— بعد از محمول "دا" و نشانه‌ی حالت به‌ای *i*— در پایان مفعول غیرصریح "به احمد" به شکل ۱۷ درج می‌شوند. در اسم‌واره‌ها هم تکواژ اسم‌ساز *ay*— بعد از ریشه *da*، نشانه‌ی حالت غیرفاعلی *i*— بعد از مفعول صریح "پول" یا "پول من" و سپس تبدیل *i*— به نشانه‌ی حالت ملکی *u*— پس از اضافه شدن *min* در نقش مالک بعد از *pul* یا در نقش عامل بعد از *pul day* و نشانه‌ی حالت غیرفاعلی بعد از مفعول غیرصریح در ۱۸ و ۱۹ درج می‌شود.

(17) (min) pul-i ma-d-u be Ahmad-I (18) day-u pul-u min be Ahmad -i

(19) pul day-u min be Ahmad -i

۶. بازنمود ساختاری آوایی بالا بعد از آنکه در معرض قواعد واژگونی هورامی قرار بگیرند، از لحاظ آواشناختی با کنتراهای نواختی، استرس و گزینش گونه‌ی آوایی دقیق در جمله به صورت ۲۰ و در اسمواره‌ها به شکل ۲۱ و ۲۲ تعبیر می‌شوند.

(20) [ˈmin puli: ˈmæðu bæ æhˈmaði:] (21) [ˈdæi u: pu:lu: ˈmin bæ æhˈmaði:]

(22) [pu:lˈdæi u: ˈmin bæ æhˈmaði:]

۳-۴. بازنمایی معنایی

مشخصه‌های انتزاعی در صورت منطقی به صورت محمول و ساختار موضوعی در جمله و دو اسمواره متناظر آن تعبیر می‌شوند. علل بازنمایی معنایی متفاوت را هم باید در تفاوت نوع

ریشه انتزاعی محمول، نوع و جایگاه نحوی مقوله‌های محمول و موضوع‌ها و سایر مشخصه‌های نقشی و فرایندهای نحوی دخیل در آرایش نحوی جست‌وجو کرد. به این معنی که تفاوت این ویژگی‌ها باعث تفاوت در بازنمود نو دیویدسونی (Heim & Kratzer, 1998) و تفاوت در ساختار رویدادی حاصل از آن‌ها می‌شود. ساختار رویدادی افعال دومفعولی هم به شکل انتقال مالکیت یا انتقال مکانی در اسمواره متناظر بازتاب می‌یابد. ساختار رویدادی از دو جزء شامل مجموعه کوچکی از رویدادهای بنیادی نشانگر کنش (عمل) در (۲۳a) و سبب تغییر حالت (شدن) در (۲۳b) و شماری از ریشه‌های مفهومی تشکیل می‌شود.

- (23) a. [x ACT<ROOT>]
 b. [[x ACT] CAUSE [y BECOME < ROOT >]]
 c. * [[x ACT<ROOT>] CAUSE [y BECOME < ROOT >]]

بر اساس روش بازنمایی معنایی در چارچوب نظری، ابتدا صورت منطقی نو - دیویدسونی برای گزاره‌های حاوی افعال دومفعولی و اسامی متناظر در حد واسط نحوی - معناشناختی محاسبه و سپس قواعد تعبیر معناشناختی ترکیبی به‌طور مستقیم بر صورت منطقی اعمال می‌شود. رابطه ساختار رویدادی حصولی بین رویدادها از بازنمایی معنایی افعال طبقه "دادن" به صورت انتقال مالکیت یعنی انتقال مال از مالک اول به مالک بعدی در بین مقوله AppIP و VP از روی تعبیر منطقی بازنمایی می‌شود. بنابراین، صورت منطقی نو- دیویدسونی برای آرایش نحوی جمله‌های حاوی افعال دومفعولی به شکل ۲۴ در زمان حال بازنمایی می‌شود.

(24). At(utterancetime, (i)) λi [$\exists e$ [DA(e, Agent: min. Theme: pul. Possosser: Ahmad)] & DURING(e, i)]

در چنین جمله‌هایی افزودن رویداد مقید و کرانمند در متمم ۷ به کرانمندی ساخت رویدادی پیچیده‌ای شامل زیررویداد فرایندی، سببی و زیررویداد پیامدی در ۲۵ می‌انجامد. از صورت منطقی بالا وضعیت پیامدی ۲۶ بر اساس هواو و لوین^{۲۹} (2008: 130) از آن استنباط می‌شود.

- (25). [[x ACT] CAUSE [BECOME [y GO<POSS-TYPE> z]]]
 (26). [[x ACT] CAUSE [BECOME [y <RES-STATE>]]]

بر اساس قواعد آرایش نحوی، صورت منطقی نهایی نو - دیویدسونی برای اسمواره‌های محمولی متناظر افعال دومفعولی هم به شکل ۲۷ است.

(27) $\exists e$. [DA (e, initial possessor: min. Theme: pul. ben possessor: Ahmad)]

ساخت رویدادی جمله و اسمواره تنها از روی تعامل مشارکان و موضوع‌ها با محمول و با همدیگر به‌دست می‌آید. بر این اساس، بازنمایی معنایی حاصل از تعبیر نو- دیویدسونی اسم-

واره ملکی بیانگر این نکته است که سور مبهم و نهانی سبب می‌شود که احمد (مالک بهره‌ور) به پول من (مالک اولیه) در جمله ۲۸ حصول و دسترسی پیدا کند. در اسمواره ملکی شخص معینی عامل یا مسبب این انتقال مالکیت نیست. در اسمواره عاملی، انضمام مفعول صریح به اسم مصدر رویدادهای "شدن" و "وضعیت نتیجه" را حذف و بر اساس آزمون‌هایی نمود حصولی را از کرانمند به ناکرانمند و در نتیجه به نمود "کنشی" یا "فعالیتی" تبدیل می‌کند. تفاوت نمود اسمواره ملکی و جمله در نبود کنشگر (x) و کنش (ACT) در اسمواره است. زیررویداد "وضعیت پیامد" در اسمواره ملکی به مثابه جمله متناظر آن به صورت جمله ۲۹ وجود دارد. با این حال، ساختار رویدادی انتقال مالکیت به صورت انتقال مال از مالک اول به مالک دوم در هر دو اسمواره مانند جمله متناظر آن‌ها باقی می‌ماند.

(28) [CAUSED [BECOME [y HAVE<POSS-TYPE> z]]]

(29) [CAUSED [BECOME [y <RES-STATE>]]]

اشتقاق حاصل از بازنمایی آوایی و بازنمایی معنایی ذکر شده در حد واسط مفهومی دوباره به هم می‌رسند و ویژگی‌های حاصل از صورت منطقی و معناشناسی ریشه در دایره‌المعارف (فهرست شماره ۳) به صورت گزاره حاصل شده در جمله یا هر یک از اسمواره‌ها تعبیر می‌شوند.

۴-۴. مقایسه اسمواره عاملی و ملکی

۱. بر اساس مفروضات رویکرد نظری، ساختار موضوعی از فرافکنی نقشی VP موجود در آرایش نحوی به دست می‌آید. از آنجایی که اسمواره عاملی هم ساختار موضوعی دارد حضور فرافکنی نقشی گروه فعلی سبک در ساختار نحوی آن بر اساس استدلال‌های که پیش‌تر ذکر شد امری اجتناب‌ناپذیر است. مسلم است آنچه گروه فعلی را به گروه اسمی یا به جمله تبدیل می‌کند حضور مقوله‌های نقشی بالاتر در آرایش نحوی است. در اسمواره‌ها گروه فعلی (VP) با هسته نقشی گروه مقوله‌ساز nP ترکیب و وارد رابطه مطابق می‌شود. تکواژ اسم‌ساز ay- در هسته آن حضور مشخصه ریشه فعل دارای مشخصه تعبیرناپذیر n را در هسته حاصل از ادغام دوم الزامی می‌نماید. بنابراین، مشخصه ریشه فعل به تنهایی یا همراه با اسم مفعول منضم به آن از هسته VP به هسته nP حرکت می‌کند. سپس در اسمواره‌ها گروه اضافه محمولی (PEP) با ساختار قبلی ادغام می‌شود. هسته این مقوله یعنی تکواژ نقش‌نمای اضافی (u) دارای مشخصه

[+N] است که ایجاب می‌کند گروه اسمی (pul)day برای ارضای مشخصه [EPP] در هسته حاصل از ادغام دومین حضور داشته باشد.

۲. در آرایش نحوی اسمواره عاملی به سبب انضمام موضوع کنش‌رو به فعل بخشی از آن می‌شود. موضوع کنش‌رو دیگر نیازی به نشانه‌گذاری حالت مفعولی و مطابقت یا حرکت به جایگاه ادغام دوم ۷ ندارد (Baker, 1988). بنابراین، همه فراقنی (VP) ابتدا به هسته ۷ کوچک و سپس به هسته دوم PEP برای انجام سایر فرایندهای نحوی مشروح در آرایش نحوی ساخت ملکی (۸b) در نمودار درختی اسمواره عاملی (۹b) حرکت می‌کند.

۳. خلاف اسمواره ملکی، اسمواره عاملی دارای مشخصه‌های اسمی بیشتری است و علامت جمع، معرفگی، صفات شمارشی و نشانه ملکی می‌گیرد و همراه با قید حالت بدساخت است.

۴. به علت وجود نشانگرهای اسمی موجود در ۷-ب، گروه نقشی نمود (AspP) در اسمواره عاملی می‌تواند با ویژگی +bound نشانه‌گذاری شود. به سبب آنکه این ویژگی گروه مشخصه-ها را کنترل می‌کند، مقوله‌ای به نام مقوله مشخصه‌ها (FP^{+}) می‌تواند نشانگرهای شمار مفرد یا جمع و معرفگی و ... را بر روی اسم‌مصدر عاملی مانند جمله زمان حال بازبینی کند. آرایش نحوی ۹-ب، ساخت اسمواره عاملی متناظر با جمله انتقال مالکیت را در نمودار ۸ به نمایش می‌گذارد. این ساختار به اسمواره‌های عاملی متناظر با افعال انتقال مکانی نیز قابل‌تعمیم است.

۵. در بازنمایی آوایی اسمواره عاملی هم نیازی به مطابقت کنش‌رو با اسم مصدر و نشانه-گذاری حالت غیرفاعلی نیست. سایر مراحل بازنمایی آوایی این ساخت به‌مثابه ساخت ملکی است.

۶. بازنمایی معنایی ساخت اسمواره ملکی دارای تفاوت‌هایی با ساخت اسمواره عاملی است. انضمام مفعول صریح به اسم مصدر رویدادهای "شدن" و "وضعیت نتیجه" را حذف و ساخت رویدادی حصولی را از کرانمند به ناکرانمند محدود و در نتیجه به نمود "فعالیتی" تبدیل می‌کند. به علاوه، به سبب حضور رویداد "کنش" در اسمواره عاملی از فاعل جمله همان تعبیر کنش‌گر یا مسبب در جایگاه هسته مقوله جهت در پایین گروه فعلی سبک به‌دست می‌آید. با این حال، ساختار رویدادی هر دو اسمواره به‌مثابه جمله متناظرشان به سبب حضور مقوله الحاقی پایین در همه بیانگر انتقال مالکیت یا مکان است.

۴-۵. مقایسه ساختار موضوعی دو اسمواره و جمله

برای پاسخ به سه سؤال مطالعه باید گفت که مقوله‌بندی ساختار موضوعی جمله و اسمواره‌ها به صورت یکپارچه در بخش آرایش نحوی انجام می‌شود. با این حال، بازنمایی آوایی ساختار موضوعی در بخش صورت آوایی و بازنمایی معنایی آن در بخش صورت منطقی و بیشتر از این در دایره‌المعارف تکمیل می‌شود. بنابراین، مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی فعل یا اسمواره در این چارچوب نظری طوری درهم تنیده‌اند که تعیین مرزی برای تحلیل جداگانه آن‌ها دشوار است. افعال بیانگر رویداد یا وضعیت ایستایی هستند؛ در حالی که اسامی به افراد و عناصر اشاره می‌کنند. افعال شاخص‌های خاصی مانند تصریف مطابقت شخص، شمار، زمان، نمود و وجه را دریافت می‌کنند. در حالی که اسامی نشانگرهای شمار، معرفگی و... را می‌گیرند. بنابراین، اسامی از یک طرف دارای ویژگی‌های ساخت‌واژی نحوی و معنایی افعال متناظر و از طرف دیگر دارای مشخصه‌ها و نشانگرهای اسمی هستند. در این راستا، اسمواره‌های حامل ساختار موضوعی این مطالعه حاوی ساختار نحوی فعل‌واره متناظر هستند تا بتوانند موضوع‌های درونی فعلی یعنی مفعول صریح و مفعول غیرصریح را فراقنی کنند.

تنها مشخصه‌های ساخت‌واژی - نحوی انتزاعی در رویکرد نظری حاضر از شمارگان وارد بخش آرایش نحوی می‌شوند. آرایش نحوی بر روی این مشخصه‌ها تغییر و تحولاتی انجام می‌دهد. نحو از این مشخصه‌ها مقوله‌های لازم شامل محمول فعلی یا اسمی و موضوع‌های آن‌ها را می‌سازد. نحوه معرفتی مشخصه‌ها، تعداد و تنوع آن‌ها و جایگاه آن‌ها در آرایش نحوی، مقوله‌بندی، و به تبع آن دو در بازنمایی معنایی مقوله‌های حاصل‌شده تأثیرگذار است. از این لحاظ مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی ساختار موضوعی جمله‌های حاوی افعال دومفعولی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های با اسامی متناظر به شکل زیر است:

۱. در هر دو جملات و گروه‌های اسمی ریشه محمول با هسته مقوله‌ساز فعلی در آرایش نحوی ادغام می‌شود. سپس مشخصه انتزاعی کنش‌رو در جایگاه هسته حاصل از ادغام دوم مقوله فعلی (VP) به آرایش نحوی معرفی می‌شود. فراتر از این، مقوله الحاقی (AppP) در تمام جمله‌های دارای افعال دومفعولی و اسمواره‌های متناظر با مقوله VP ادغام می‌شود. مشخصه مفعول غیرصریح هم در هسته دوم مقوله الحاقی به آرایش نحوی معرفی می‌شود. به علاوه، هسته مقوله ApplP رابطه معنایی انتقال مالکیت (یا انتقال مکانی) بین موضوع الحاقی مالک (یا

حامل) با ملک (یا مکان) را برقرار می‌سازد. تا این مرحله مقوله‌بندی و بازنمود نحوی محمول و موضوع‌ها در جمله و اسم‌واره‌ها با هم تناظر یک به یک دارند.

۲. از این مرحله به بعد در جمله این مقوله VP است که ابتدا به آرایش نحوی اضافه می‌شود. مقوله انتزاعی فعلی تحت فرایند حرکت هسته به هسته از هسته V به هسته V حرکت می‌کند. موضوع کنش‌رو هم در جمله برای دریافت حالت مفعولی به جایگاه ادغام دوم V حرکت می‌کند و با آن وارد رابطه مطابقت می‌شود. سپس، مقوله نقشی مشترکی به نام گروه نمود (AspP) ساخت رویدادی VP را در جمله مورد بررسی به صورت حصولی غیربازگشتی بازنمایی می‌کند. با وجود این، مقوله VoiceP در جمله برای بازبینی حالت عاملی موضوع برونی در آرایش نحوی ادغام می‌گردد. این مقوله نقشی زمان (TP) و به تبع آن CP است که در جملات گروه فعلی را به جمله تبدیل می‌کند. حضور مشخصه EPP در هسته مقوله زمان باعث حرکت عامل به جایگاه هسته دوم می‌شود. به علاوه، به نظر می‌رسد که فعل کمکی یا اصلی به دلیل قوی بودن مشخصه تصریف در زمان حال جملات هورامی می‌تواند از درون گروه فعلی خارج شود و به گروه متناظر بالاتر یعنی بازبین آن و مقوله زمان بر اساس مشابه فارسی (درزی و انوشه، ۱۳۸۹) ارتقا یابد. بازنمایی معنایی حاصل از ساخت رویدادی جملات دومفعولی به صورت انتقال مالکیت (یا انتقال مکانی) است

۳. در اسم‌واره ملکی، دو مقوله نقشی گروه اسمی (NP) برای معرفی مالک و مقوله اضافه ملکی (EzaPf_{Poss}) برای معرفی ملک وارد آرایش نحوی می‌شود. موضوع مالک در اسامی همان موضوع عامل یا مسبب در افعال متناظر است. در اسم‌واره عاملی هم، کنشگر جمله با همان معنی، ولی در پایین گروه الحاقی در آرایش نحوی ادغام می‌شود. پس از این، مقوله فعلی پوسته‌ای (VP) در آرایش نحوی اسامی معرفی می‌شود. در اسامی ملکی تنها مقوله V، و در اسامی عاملی همه مقوله VP شامل اسم مفعول صریح (کنش‌رو) با حالت منضم به فعل (V) به هسته V حرکت می‌کند. در هر دو اسم‌واره این مقوله اسم‌ساز (nP) با تکواژ -ay در هسته آن است که به آرایش نحوی معرفی می‌شود و گروه فعلی را به صورت گروه اسمی تغییر می‌دهد. هسته این مقوله، مشخصه یا ساخت‌واژه فعلی را در ساخت اسم‌واره ملکی یا به صورت مفعول انضمام‌یافته به آن به هسته ادغام دوم خود جذب می‌کند.

در ادامه، مقوله نقشی مشترکی به نام گروه نمود (AspP)، ساختار رویدادی حاصل‌شده از

بازنمود نو - دیویدسون را به صورت حصولی غیربازگشتی در اسامی ملکی مانند جملات ولی به صورت فعالیتی ناکرانه در اسامی عاملی بازنمایی می‌کند. با این حال، به سبب حضور رویداد "کنش" در اسمواره عاملی از کنشگر (min) در هسته مقوله جهت منتهای پایین‌تر از vP تعبیر همان معنایی کنشگر استنباط می‌شود. مقوله نقشی دیگر به نام گروه اضافه محمولی (PEP) در آرایش نحوی ادغام می‌شود تا فرایند ساختن اسمواره را کامل کند. تگواژ اضافه (u) با مشخصه [+N] در هسته گروه (PEP) باعث حرکت اسم مصدر (به تنهایی در اسامی ملکی و همراه با کنش‌رو در اسامی عاملی) به هسته دوم خود می‌شود. ساختار رویدادی نهایی انتقال مالکیت (یا مکانی) در هر دو اسمواره شبیه به جمله متناظر در نتیجه حضور مقوله الحاقی پایین باقی می‌ماند.

از نقطه بازنمون تا رسیدن به صورت آوایی هم عملیاتی همانند ادغام ساخت‌واژی، هم-جوشی، حرکت و سایر فرایندهای آوایی بر روی گره‌های پایانی حاصل از آرایش نحوی در جمله و اسمواره‌ها انجام می‌گیرد. برای بازنمایی آوایی، هر محمول و موضوع‌های آن در زیرمجموعه‌ای از مشخصه‌های گره‌پایانی خود مشخص می‌شوند تا عنصر واژگانی موجود در فهرست عناصر واژگانی با تبعیت از اصل فرومشخص‌شدگی در گره‌پایانی درج‌شود. در پایان، مقوله‌بندی محمول و موضوع‌ها به صورت جمله یا اسمواره در صورت آوایی کامل می‌شود.

۵. نتیجه

در چارچوب نظری این مطالعه مقوله‌بندی ساختار موضوعی همگام با آرایش نحوی آن آغاز می‌شود و در مراحل پس‌انحوی در سطح صورت منطقی جهت بازنمایی معنایی و سطح صورت آوایی جهت بازنمود آوایی کامل می‌شود. در جمله این مقوله نقشی زمان TP و به تبع آن CP است که گروه فعلی را در آرایش نحوی به جمله تبدیل می‌کند. حضور مشخصه EPP در هسته مقوله زمان باعث حرکت موضوع برونی به جایگاه هسته دوم می‌شود. خلاف جملات، این مقوله اسم‌ساز (nP) با تگواژ -ay در هسته آن است که گروه فعلی را به گروه اسمی در آرایش نحوی اسمواره‌ها تغییر می‌دهد. مقوله نقشی دیگر به نام گروه اضافه محمولی (PEP) در آرایش نحوی اسمواره‌ها ادغام می‌شود تا فرایند پیکره‌بندی آن‌ها را کامل کند. تگواژ نقش‌نمای اضافه در هسته گروه (PEP) باعث حرکت اسم مصدر به تنهایی در اسمواره‌های ملکی یا

همراه با کنش رو در اسمواره‌های عاملی به هسته دوم آن‌ها می‌شود. در اسمواره‌ها، مقوله TP و به تبع آن مقوله CP وجود ندارد؛ زیرا ریشه اسمواره‌ها قبل از ترکیب با تکواژ زمان گذشته a با تکواژ اسم ساز -ay و تکواژ اضافه محمولی /u/ ترکیب می‌شود.

تفاوت در آرایش نحوی مقوله‌های نقشی باعث تفاوت در بازنمود نو - دیویدسونی، ساختار رویدادی و در نتیجه بازنمایی معنایی مختلف می‌شود. عوامل مؤثر بر بازنمایی معنایی در آرایش نحوی شامل تنوع ریشه، تفاوت در نوع مقوله‌های نقشی و تعداد آن‌هاست. کارکرد مقوله‌های نقشی در آرایش نحوی متفاوت است. بعضی از آن‌ها مانند مقوله‌های V و v به ترتیب محمول‌های رویداد پیامدی و سببی را به آرایش نحوی در جمله و اسامی معرفی می‌کنند. مقوله نمودی، هم در جمله‌ها و هم اسمواره‌ها، ساختار رویدادی را به صورت حصولی یا فعالیتی بازنمود می‌کند. به علاوه، هسته مقوله‌های VoiceP و AppIP به ترتیب رابطه بین موضوع برونی را با فاز vP و موضوع الحاقی را با ملک یا مکان برقرار می‌سازد.

در مرحله بازنمون به سوی سطح صورت آوایی، مشخصه‌های حاصل از گره‌پایانی در آرایش نحوی تحت فرایندهای خاص ادغام ساخت‌واژی، هم‌جوشی، حرکت، بازترتیب‌گذاری و نشانه‌گذاری حالت و مطابقت قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، آن‌ها به صورت آوایی نهایی مقوله‌بندی در جمله‌ها و اسمواره‌ها دست می‌یابند. بنابراین، برای تکمیل مقوله‌بندی از لحاظ بازنمایی آوایی اجرای فرایندهای پسانحوی در سطح صورت آوایی ضروری است. آشکار است که این فرایندها در جملات حاوی افعال دومفعولی و اسمواره‌های متناظر دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی هستند.

ع. پی‌نوشت‌ها

1. Hawrami
۲. برای شواهد شرح میان‌خطی آمده و فهرست نشانه‌های اختصاری در پیوست مقاله آمده است.
3. Categorisation or Labeling
4. Syntactic Configuration
5. Semantic Realisation
6. Minimalist Program/Distributed Morphology
7. Event Structure
8. Verbal Phrase
9. Low Applicative Phrase
10. Predicative Ezafe Phrase
11. VoicePhrase
12. Tense Phrase

13. Complementizer Phrase
14. noun Phrase
15. Predicative Ezafe Phrase
16. Chomsky
17. Grimshaw
18. Borer
19. Harley
20. Alexiado
21. Siddiqi,

۲۲. باید گفت که این تنها نشانه و تکیه اسم مصدر ساز در هورامی است.

۲۳. می‌توان از فاعل جمله هم بعد از حرف اضافه به وسیله $ja\ la\ i=$ در ابتدا یا انتهای این دو انواع اسم-واره به صورت افزوده استفاده کرد. با این حال، گویشوران هورامی به ندرت از ساختار ذکر شده استفاده می‌کنند.

۲۴. افعال دومفعولی اصلی به دو دسته افعال انتقال مالکیت و انتقال مکانی دسته‌بندی می‌شوند (میرانی و کریمی‌دوستان، ۱۳۹۵). به سبب شباهت بسیار اسم‌واره‌های متناظر آن دو در مقوله‌بندی، آرایش نحوی، بازنمایی آوایی و بازنمایی معنایی، به تحلیل اسامی متناظر با افعال انتقال مالکیت بسنده می‌کنیم. یافته‌های حاصل شده را می‌توان با تفاوت‌های کمی به اسامی متناظر با افعال انتقال مکانی هم تعمیم داد.

۲۵. برای تحلیلی مشابه در مورد اسم‌واره‌های متناظر با افعال دومفعولی در زبان چک به دورک (2014) مراجعه کنید.

۲۶. می‌توان پس از VP در جملات و بعد از nP در آرایش نحوی اسم‌واره‌ها مقوله‌نقشی دیگری را به نام مقوله‌ مشخصه‌ها FP برای بیان رابطه‌ی مطابقت در جمله و اسم‌واره‌ی عاملی ادغام کرد.

27. Aspect Phrase
28. Extended Projection Principle
29. Hovav & Levin
30. Features Phrase

۷. منابع

- انوشه، مزدک (۱۳۹۴). «فراکتن‌های نمود و زمان در صفت‌های فاعلی مرکب بر پایه‌ی نظریه‌ی صرف توزیعی». *جستارهای زبانی*. ۶۵. ش ۵ (پیاپی ۲۶). صص ۴۹-۷۲.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و باقری، راضیه (۱۳۹۰). *ساخت اضافه در زبان‌های ایرانی*. تهران: سخن.

- مدرسی، بهرام و نغمه ذوقی (۱۳۹۵). «بررسی گروه حرف تعریف در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا». *جستارهای زبانی*. د. ۷. ش ۲ (پیاپی ۳۰). صص ۲۰۷-۲۲۲.
- میرانی، جبار و غلامحسین کریمی دوستان (۱۳۹۵). «ساختار موضوعی افعال دومفعولی در کردی هورامی». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. س ۱. د ۲ (پیاپی ۲). صص ۱-۲۵.

References:

- Alexiadou, A. (2001). *Functional Structure in Nominals, Nominalization and Ergativity*, Amsterdam: Benjamins Publishing Company.
- ----- (2010a). "Nominalizations: A Probe into the architecture of grammar. Part I: The Nominalization puzzle". *Language and Linguistics Compass*, 4(7). Pp. 496-511.
- ----- (2010b). "Nominalizations: A Probe into the architecture of grammar. Part II: The Aspectual Properties of Nominalizations, and the Lexicon vs. Syntax Debate". *Language and Linguistics Compass*, 4(7). Pp. 512-523.
- Anousheh, M. (2010). "Projections of Aspect and Tense in compound Subjective Adjectives based on Distributed Morphology". *Language Related Research*. 65(5). Pp: 49 – 72. [InPersian].
- Baker, M. C. (1988). *Incorporation: A Theory of Grammatical Function Changing*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Borer, H. (2005b). *The Normal Course of Events, Structuring Sense*. Volume II. Oxford: Oxford University Press.
- ----- (2013). "Derived nominals and the domain of content". *Lingua*. Pp. 1-26. doi:10.1016/j.lingua.2013.10.007.
- Bošković, Ž. (2007). "On the locality and motivation of Move and Agree: An even more minimal theory". *Linguistic Inquiry*. 38. Pp. 589-644.
- Bowers, J. (2011). "Non-event nominals and argument structures". *Lingua*. 12(1). Pp. 1194-1206.

- Chomsky, N. (1970). "Remarks on nominalization". In *Readings in English Transformational Grammar*, edited by A.J. Roderick and P.S. Rosenbaum. Ginn,
- Darzi, A. & M. Anousheh (2010). "Main Verb Movement in Persian, A Minimalist Approach". *Zaban-pazhuhi*. 2(3). Pp. 21-55.[InPersian].
- Grimshaw, J. (1990). *Argument Structure*. Cambridge, MIT Press.
- Harley, H. (2009). *The Morphology of Nominalizations and the Syntax of vP, Quantification, Definiteness and Nominalization*. edited by Monika Rathert and Anastasia Giannadikou. Oxford: OUP, PP. Pp. 320-342.
- ----- (2012). Semantics in Distributed Morphology, In Claudia Maienborn, Paul Portner & Klaus von Heusinger, (eds.), *Semantics: International Handbook of Meaning*. Vol. 3. Berlin: de Gruyter.
- Heim, I. & A. Kratzer (1998). *Semantics in Genrative Grammar*. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Hovav, R. & B. Levin (2008). "The English dative alternation: The case for verb sensitivity". *Journal of Linguistics*, 44. Pp. 129-167.
- Karimi, Y. (2015). "Remarks on ergativity and phase theory". *Studia Linguistica /a-n/a*. Online publication date: 1-Oct-2015.
- Karimi-Doostan, Gh. & J. & Mirani (2017). "Argument Structure of Ditransitive Verbs in Hawrami. Persian". *Persian Language and Iranian Dialects*.1 (2). Pp. 67-91. [InPersian].
- ----- & R. Bagheri (2011). "*Ezafe Construction in Iranian languages*". Tehran: Sokhan publication. [InPersian].
- Maienborn, C. (2011). "Semantics: An international handbook of natural language meaning; Volume 1. Chapter: Event Semantics". *Publisher: Mouton de Gruyter, Editors: Claudia Maienborn, Klaus von Heusinger & Paul Portner*. Pp. 802-829.
- Modarresi, B. & N. Zowghi (2016). "Surveying article phrase in Persian based on Minimalism Program". *Language Related Research*.7(2). Pp. 222 – 207. [InPersian].

- Pytkkanen, L. (2008). *Introducing Arguments*. Cambridge. MA: MIT Press.
- Siddiqi, D. (2009). *Syntax within the Word: Economy, Allomorphy, and Argument selection in Distributed Morphology*. Amsterdam: John Benjamins.
- Waltham, MA.

۸. پیوست

نشانه‌های اختصاری

نشانه	مفهوم	نشانه	مفهوم	نشانه	مفهوم
اشم	اول شخص مفرد	اضمل	اضافه ملکی	حغفا	حالت‌نمای غیرفاعلی
دشم	دوم شخص مفرد	اسسا	اسم‌ساز	ح‌مک	حالت‌نمای مکانی
سشم	سوم شخص مفرد	نک	نکره	مضسا	مضاعف‌ساز فاعلی
اشج	اول شخص جمع	مع	معرفه	Sub	فاعل
دشج	دوم شخص جمع	مج	مجهول‌ساز	DO	مفعول صریح
سشج	سوم شخص جمع	مذ	مذکر	IO	مفعول غیرصریح
پ‌زح	پیشوند زمان حال	مؤ	مؤنث	Pre	حرف اضافه
تک	تکواژ گذشته	جم	تکواژ جمع	V	فعل
تسب	تکواژ سببی‌ساز			ح‌مف	حالت‌نمای مفعولی